**مرگ رهی معیری**

باری،معلم کلاس اول جوانی بود تقریبا بیست و چند ساله،سبز چهره و آبله‏روی‏ که قامتی بلند داشت و معمولا ردنکت مشکی می‏پوشید،و بادب و متانت و وقار شهرت داشت. بنده،پس از چند ماه که از آن مدرسه بیرون شدم،گاه‏گاه در خیابان او را می‏دیدم‏ و بپاس حق استادی احترامی شایسته که از خصایص محصلین ولایات است-بجای می‏آوردم. دو سه سال بعد یکی از دوستان در عدلیه گرفتاریی پیدا کرد که مدعی العموم می‏بایست رسیدگی‏ کند.پرسان‏پرسان بادارهء مدعی العمومی که در باستیان واقع بود،رفتم.همان معلم مدرسهء آلیانس که من او را بصورت می‏شناختم نه بنام،بر صندلی مدعی العمومی نشسته بود و چندان‏ محبت کرد که هنوز از یاد نبرده‏ام.

مرحوم دکتر سید کاظم خان صدر جوان مرگ شد.صدر الاشراف درین مصیبت،یک‏ نوع شکیبائی و صبر از خود نمود که جز از اهل تسلیم دیده نشده است.فرزند دیگر صدر الاشراف‏ نیز چند سال قبل جوان مرگ شد.و این پیرمرد محترم یعنی صدر در حیات خود مرگ‏ دو جوان را دید و شکیبائی ورزید.

\*\*\* مرحوم صدر الاشراف از رجال با فضیلت و با شخصیت معاصر بود،و پس از نود سال‏ زندگانی با شرافت در اواخر مهر ماه 1341(سه ماه پیش)درگذشت.جسدش را بنا به وصیتش‏ بعتبات عالیات بردند و بخاک سپردند.

مرگ رهی معیری

در آخرین ساعت که مجلهء یغما زیر چاپ بود از مرگ شاعر استاد،دوست عزیز دانشمند،رهی معیری خبر رسید.(جمعه 23 آبان 1347)رهی در میان شاعران معاصر بنام بود،ذوقی بسیار لطیف و طبعی نکته‏سنج داشت،خدا بیامرزدش.

همه باید رویم از پی هم‏ آن دمی دیر و این زمانی زود هیچ صورت ز خاک بسته نشد که بخاک اندرون ز هم نگشود هیچ منسوج روزگار نکرد که بننگسست تارش از هم و پود «مرگ را زاده‏ایم مردنی‏ایم‏ پیشوای بزرگ ما فرمود..